

An Examination of the Developments in the Case of the Concurrence of the Direct Actor and the Cause



Hamid Abhari

Professor of Private Law, Faculty of Law and Political Science,
University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author)
hamid.abhary@gmail.com



Mostafa Firouzirad

Ph.D. Candidate in Private Law, Faculty of Law and Political Science,
University of Mazandaran, Babolsar, Iran
mostafafirouzirad@gmail.com



Abstract

Damage is generally attributed to the agent that had a direct effect in bringing it about; however, this is not always the case, and the role of other, indirect factors cannot be disregarded. It is in such circumstances that the case of the concurrence of the direct actor and the cause arises. According to the predominant view among Imami jurists, the general rule is that liability attaches to the direct actor (mobāsher), unless the effect of the cause (sabab) is, for certain reasons, stronger than that of the direct actor. Although the Civil Code follows this view, other statutes - such as the Civil Liability Act and the Islamic Penal Code - base liability instead on the actual degree of influence each factor had in producing the damage.

Journal of Research and Development
in Civil Liability Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 1 | Spring & Summer 2026

(Original Article)

www.jcil.illrc.ac.ir

doi:

10.22034/jcil.2026.738554

This research seeks to elucidate the issue by examining the various views expressed on the concurrence of the direct actor and the cause in juristic sources and legal treatises, and to put forward an opinion that would ensure the appropriate compensation of the injured party's damage.

Keywords: Direct Actor (Mubāshir), Cause (Sabab), Multiple Factors, Compensation for Damage, Joint and Several Liability



بررسی تحولات مسئولیت مدنی در فرض اجتماع مباشر و سبب

حمید ابهری 

استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران،
بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)
hamid.abhary@gmail.com

مصطفی فیروزی راد 

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه
مازندران، بابلسر، ایران.
mostafafiroozirad@gmail.com



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در
حقوق مسئولیت مدنی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۵

(مقاله پژوهشی)

www.jcil.llrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jcil.2026.738554

چکیده

معمولاً زیان به عاملی نسبت داده می‌شود که به‌طور مستقیم در آن تأثیر داشته است اما همیشه این‌گونه نیست و نمی‌توان نقش سایر عوامل غیرمستقیم را نادیده گرفت؛ در این حالت، فرض اجتماع مباشر و سبب مطرح می‌شود. مطابق نظر مشهور فقهای امامیه، اصل بر مسئولیت مباشر است مگر این‌که تأثیر سبب، به جهاتی قوی‌تر از مباشر باشد.

با این‌که در قانون مدنی از این دیدگاه پیروی شده است اما در وضع سایر قوانین، مانند قانون مسئولیت مدنی و قانون مجازات اسلامی مسئولیت بر مبنای تأثیر هر یک از عوامل در زیان قرار گرفته است. در این پژوهش سعی می‌شود، با بررسی دیدگاه‌های گوناگونی که پیرامون بحث اجتماع مباشر و سبب در منابع فقهی و

کتاب حقوقی بیان شده‌اند، به تبیین موضوع پرداخته و نظری ارائه شود تا خسارت زیان دیده به نحو مقتضی جبران گردد.

کلیدواژه‌ها: مباشر، سبب، عوامل متعدد، جبران خسارت، مسئولیت تضامنی.

مقدمه

در مباحث ضمان قهری در حالتی که عاملی به نحو مباشرت و عاملی دیگر به نحو تسبیب در ورود ضرر نقش داشته باشند و هر دو عامل موجب ورود زیان شوند، ظاهراً قانون‌گذار در مورد شناسایی عامل زیان و میزان مسئولیت وی در قبال زیان دیده، رویکردهای گوناگونی را اتخاذ نموده است؛ مطابق ماده ۳۳۲ قانون مدنی در این فرض مسئولیت بر عهده مباشر قرار دارد مگر این که تأثیر سبب در وقوع زیان قوی‌تر باشد. در ماده ۲۴ قانون دیات مصوب ۱۳۶۱ و ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز این مبنا پذیرفته شده بود. بر اساس ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، کارفرما مسئول جبران خساراتی است که از طرف کارکنان اداری یا کارگران وی در حین انجام کار به دیگران وارد می‌سازند مگر این که اثبات نماید احتیاط‌های لازم را به عمل آورده و یا اگر هم چنین احتیاطی را به عمل می‌آورد، تأثیری در وقوع زیان نداشت. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ طبق ماده ۵۲۶ این قانون، مسئولیت هر یک از سبب و مباشر به میزان تأثیر رفتار آن‌ها است. وجود رویکردهای متفاوت نسبت به مسئولیت سبب و مباشر در هر یک از این مقررات، این پرسش را مطرح می‌سازد، در بحث مسائل مسئولیت مدنی و جبران خسارت زیان دیده، کدام دیدگاه مناسب‌تر است و نفع زیان دیده را بهتر تأمین می‌کند تا در مقام عمل به عنوان یک قاعده مورد استفاده قرار گیرد. آیا باید اصل را بر مسئولیت یکی از مباشر یا سبب نهاد یا باید در هر مورد به خصوصی، مسئول را تعیین نمود؟ زیان دیده برای جبران خسارت خود حق رجوع به کدامیک از آن‌ها را دارد و مسئولیت هر یک از مباشر و سبب به چه میزان است؟ از آنجایی که هر یک از این دیدگاه‌ها ریشه فقهی دارند؛ برای بررسی موضوع و یافتن معیاری مناسب در این خصوص، تبیین موضوع به لحاظ فقهی هم ضرورت می‌یابد؛ بنابراین، در این پژوهش مسائل به صورت فقهی حقوقی شرح داده خواهند شد.

۲. مفهوم سبب و مباشر

سبب در لغت به علت، وسیله، افزار، طریق و وسیله رسیدن به چیزی معنی شده است (معین، ۱۳۸۰: ۴۸۷؛ حسینی دشتی، ۱۳۸۱: ۱۸۱/۶) و مباشر نیز به معنی عامل، فاعل، انجام دهنده، ناظر و کارفرما است (معین، ۱۳۸۰: ۱۳۴۰).

در کلام فقه‌ها، اتلاف و ورود زیان ممکن است توسط مباشر یا به وسیله سبب واقع شود. منظور از تلف توسط مباشر، به وجود آوردن علت تلف است اما مقصود از سبب، فراهم کردن وسیله تلف به علت دیگری می‌باشد، به طوری که میان فعل سبب و آن علت ملازمه وجود داشته باشد (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۸: ۴۳۴/۲). به بیانی دیگر، مباشر شخصی است که فعل موجب زیان از وی صادر می‌شود اعم از این که بدون استفاده از ابزاری این کار را انجام دهد مانند این که شخص با دست یا پای خود مالی را تلف کند و یا به شخصی آسیب بزند و یا با استفاده از وسایلی موجب زیان شود، به نحوی که تلف به وی منتسب باشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۵۶۰) و سبب هم هر فعلی است که موجب به وجود آمدن زیان به علت دیگری می‌شود، به گونه‌ای که اگر آن فعل نبود، زیان هم واقع نمی‌شد مانند این که در راه عبور مردم، سنگی قرار دهد و شخصی با آن سنگ برخورد نماید و در اثر آن آسیب ببیند (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۵۶۴). در این حالت با این که سنگ علت آسیب دیدن شخص بوده است اما اگر شخصی آن سنگ را در راه قرار نمی‌داد، آسیبی هم به وجود نمی‌آمد.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۴۹۴ در تعریف مباشر بیان می‌دارد: ((مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود)) و به موجب ماده ۵۰۶ قانون مذکور: ((تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آن که چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند)).

بایان تعاریف فوق مشخص می‌شود، منظور از اجتماع سبب و مباشر آن است که در ورود زیان، یک عامل به طور مستقیم دخالت داشته باشد (مباشر) و عاملی دیگر، به طور غیرمستقیم در آن تأثیر بگذارد (سبب). به حالتی که سبب و مباشر هر دو موجب ورود

خسارت می‌شوند، برخی به ((اجتماع العله و الشرط)) تعبیر کرده‌اند (حسینی عاملی، ۱۴۲۴: ۲۹۰/۱۰) و بعضی هم آن را توارد فعل مباشر و سبب نامیده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۲۳).

۳. حالات مختلف دخالت سبب و مباشر در ورود زیان

فروض گوناگونی که سبب و مباشر می‌توانند در ورود زیان تأثیرگذار باشند و احکام مربوط به هر یک از آن‌ها، به شرح ذیل قابل بررسی است:

۳.۱. دیدگاه فقها

مطابق نظر فقهای امامیه در فرضی که در وقوع زیان، میان عمل مسبب و ضرر وارده، فعل یک انسان عاقل و دارای اختیار دخالت داشته باشد، در این حالت به دلیل این که انتساب فعل به مباشر قوی‌تر است، وی مسئول هست. به بیانی دیگر، مطابق نظر مشهور در صورت اجتماع سبب و مباشر، اصل بر مسئولیت مباشر است مگر این که سبب اقوی از آن باشد (ابن براج، ۱۴۰۶: ۴۷۸/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۸: ۳۷۴/۲؛ حلی، ۱۳۸۷: ۵۶۱/۴؛ فاضل اصفهانی، ۱۴۲۴: ۲۷۹/۱۱؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۱۴۵/۴۳؛ چراکه ملاک ضامن دانستن شخص، استناد تلف به وی است، با دخالت مباشر رابطه‌ی سببیت میان فعل سبب و زیان وارد شده از بین می‌رود و زیان به مباشر منتسب می‌شود زیرا به لحاظ عرفی انتساب ضرر به مباشر، قوی‌تر از نسبت دادن آن به سبب است (جبعی عاملی، ۱۴۱۷: ۸۳/۱۵).

در این فرض، ابتدا اقدامی از سوی سبب صورت می‌گیرد و پس از آن مباشر فعلی را انجام می‌دهد سپس زیانی روی می‌دهد که در این حالت به عقیده مشهور، مباشر ضامن است مگر این که سبب اقوی باشد و اقوی بودن سبب از مباشر هم در حالتی اتفاق می‌افتد که دخالت سبب در فعل زیان بار به علت مجنون، صغیر، مکره یا مغرور بودن مباشر قوی‌تر از وی باشد و حضور مباشر و تأثیر او به لحاظ عرفی، ضعیف از سبب باشد که در این مورد گفته‌اند سبب ضامن است (فاضل اصفهانی، ۱۴۲۴: ۲۷۹/۱۱-۲۸۰؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۱۴۵/۴۳). البته در مورد حالتی که مباشر مکره یا مغرور باشد هم در مورد نحوه رجوع

زیان دیده برای دریافت خسارات در میان فقها دو دیدگاه وجود دارد؛ به عقیده برخی، سبب ضامن جبران خسارت است و مالک (زیان دیده) تنها حق رجوع به وی را دارد (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۱۰۲۷/۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۲: ۵۲۳/۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۶/۲). در مقابل به نظر بعضی دیگر ضمان بر عهده مباشر و سبب هر دو قرار دار و زیان دیده از هر دو آن‌ها می‌تواند زیان را مطالبه نماید و چنانچه زیان دیده به مباشر مکره یا مغرور رجوع کند، وی نیز حق رجوع به سبب مکره یا غار را دارد (عاملی، ۱۴۱۱: ۲۶۰؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۰: ۳۳/۷؛ مراغه‌ای، ۱۴۱۸: ۴۳۷/۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۴۵۵/۲ و ۴۷۵). بنابراین تردیدی وجود ندارد که مسئولیت جبران خسارت بر عهده سبب مکره یا غار قرار دارد اما در مورد حق رجوع زیان دیده به مباشر و سبب اختلاف نظر دارد که به نظر برخی مباشر مسئولیتی ندارد و زیان دیده باید به‌طور مستقیم به سبب مراجعه کند اما به نظر بعضی دیگر، زیان دیده می‌تواند برای جبران خسارت، زیان خود را از مباشر یا سبب بگیرد و به نوعی قائل به مسئولیت تضامنی برای آن‌ها شده‌اند و در صورتی که زیان دیده خسارت را از مباشر بگیرد وی نیز برای دریافت زیان، حق مراجعه به سبب را دارد.

در مقابل به نظر برخی دیگر، در حالت اجتماع سبب و مباشر، هر دو مسئولیت تضامنی دارند و در تأیید استدلال خود به قاعده نفی ضرر و شباهت موضوع با غصب می‌توان قائل به مسئولیت تضامنی سبب و مباشر در مقابل زیان دیده شد؛ با این توضیح که قوی‌تر بودن دخالت مباشر، موجب از بین رفتن مسئولیت سبب نمی‌شود زیرا وی نیز به استناد قاعده نفی ضرر مقتضی ایجاد ضمان و مسئولیت را دارد اما تنها عاملی را که موجب عدم پذیرش این نظر می‌دانند، اجماع فقها بر تقدم مسئولیت مباشر بر سبب می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۲۳۶/۱۴). به همین جهت برخی فقها نظر مشهور را صحیح نمی‌دانند تنها مباشر به دلیل اقوی بودن مسئول باشد بلکه سبب هم به دلیل تأثیری که در ورود زیان داشته است، باید مسئول جبران خسارت باشد (بهبهانی، ۱۴۱۷: ۶۰۹).

اگر تأثیر عمل سبب و مباشر به یک‌میزان و به‌طور مساوی باشد؛ به عقیده برخی فقها چنین فرضی محال است که هر دوی یک‌میزان دخالت داشته باشند (رشتی، ۱۳۸۸: ۳۷). اما به نظر دیگر فقها، این فرض نیز قابل تحقق است که در این صورت مطابق دیدگاه برخی

مسئولیت هر دو عامل نیز به‌طور مساوی و یکسان است (ابن سعید حلی، ۱۴۰۵: ۱۰۲/۴) ولی به عقیده گروهی دیگر، به استناد اجماع می‌توان آن را در حکم اقوی بودن مباشر از سبب دانست یعنی مسئولیت بر عهده مباشر قرار داشته باشد (فاضل اصفهانی، ۱۴۲۴: ۲۷۹/۱۱؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۱۴۵/۴۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۵۶۹).

علی‌رغم وجود دیدگاه‌های متفاوت پیرامون ضمان سبب و مباشر که بیان شد، به عقیده برخی فقها از آنجایی که هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها مستند به کتاب یا روایات نیستند و فقها در بیان رأی و نظر خود به اجماع استناد کرده‌اند، در این موارد به دلیل فقدان حکمی از سوی شارع، باید حکم هر قضیه را در عرف جست‌وجو نمود و دید عرف عمل را به کدام‌یک از مباشر و سبب منتسب می‌داند (کاشف الغطا، ۱۴۲۲: ۱۴-۱۵). درواقع دلیلی مبنی بر مسئول دانستن مباشر یا سبب یا تقدم یکی بر دیگری وجود ندارد و باید به عرف رجوع کرد تا مشخص شود سبب یا مباشر یا هر دو آن‌ها ضامن خسارات هستند (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۸: ۴۳۵/۲).

بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین دلیلی که قائلین به تقدم مباشر بر سبب به آن استناد کرده‌اند، اجماع است زیرا مشهور بر این موضوع اتفاق نظر دارند در حالت اجتماع مباشر و سبب، تلف مستند به مباشر می‌باشد نه سبب (حسینی عاملی، ۱۴۲۴: ۱۰۱/۱۴). هم‌چنین استدلال کرده‌اند مسئولیت بر عهده عاملی قرار دارد که به علت تلف نزدیک باشد و از میان مباشر و سایر عواملی که در تلف دخالت داشته‌اند، تردیدی وجود ندارد مباشر از دیگر عوامل، به علت تلف نزدیک‌تر است؛ درواقع می‌توان گفت سبب به‌عنوان ابزار و وسیله‌ای برای مباشر در تحقق زیان می‌شود (نجفی، ۱۳۶۷: ۵۴/۳۷).

در مقابل، همان‌طور که گفته شد برخی فقها در این مورد اجماع را قابل‌پذیرش ندانسته‌اند و گفته‌اند معیار مسئولیت هر یک از سبب و مباشر عرفی است (کاشف الغطا، ۱۴۲۲: ۱۴-۱۵؛ حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۸: ۴۳۵/۲). هم‌چنین بعضی دیگر استدلال کرده‌اند به استناد قاعده لاضرر هر یک از سبب و مباشر عامل مستقلی هستند و کم یا زیاد بودن میزان تأثیر فعل هر یک موجب نمی‌شود تا فقط مباشر مسئول باشد؛ بنابراین زیان‌دیده برای رجوع به هر یک از آن‌ها مخیر است (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۲۳۷/۱۴).

با این که مطابق نظر مشهور در خصوص اجتماع سبب و مباشر، تنها مباشر مسئول می باشد اما از دیدگاه های مطرح شده در ذیل اسباب متعدد به خوبی مشخص می شود که نمی توان تأثیر سبب یا اسباب را در وقوع زیان نادیده گرفت؛ در این حالت اگر تعدد به صورت عرضی باشد، گفته شده به نظر مشهور فقها همه اسباب به طور مساوی ضامن هستند؛ دلیل آن هم قبح ترجیح بلا مرجح است (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۵۶۹/۲). در موردی که تعدد اسباب به طور عرضی باشد، انتساب عمل زیان بار به همه اسباب آسان تر است، به همین به نظر مشهور، زیان مستند به عمل همه سبب ها بوده و همه آن ها ملزم به جبران خسارت هستند اما هنگامی که به طور طولی موجب وقوع زیان می گردند، مطابق دیدگاهی، سببی ضامن است که تأثیر آن مقدم بر سایر اسباب باشد. مطابق این نظر اگر چند سبب در وقوع زیانی دخالت داشته باشند، سببی مسئول است که پیش از سایر اسباب در زیان اثر داشته باشد اگرچه به لحاظ زمانی پس از سایر اسباب به وجود آمده باشد؛ این دیدگاه سبب مقدم در تأثیر نامیده شده است (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۵۶۹/۲).

بر اساس نظری دیگر، سببی که به لحاظ زمانی پیش از سایر اسباب به وجود آمده ضامن می باشد، با این استدلال که با وجود اولین سبب، ضمان محقق می شود و حکم رفع نمی گردد مگر این که به واسطه فعل عامل مختاری میان سبب و تلف فاصله ایجاد شود (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۴۹/۲).

مطابق نظری هر سببی که در فعل زیان بار دخالت داشته باشد، ضامن است زیرا اگر به حکم استصحاب، اثر سبب نخست مقدم بر دیگر اسباب در نظر گرفته شود، اشکالی که بر آن وارد می شود این است که در این مسئله استصحاب جاری نمی شود و پیش از به وجود آمدن سبب دوم، بر سبب نخست اثری مترتب نیست، به همین علت ضمان به هر دو سبب مستند می شود و دلیلی بر ترجیح سبب لاحق بر سبب سابق وجود ندارد و ضمان به هر دو سبب منسوب است و هر دو به تساوی ضامن هستند (موسوی خوئی، ۱۴۱۳: ۳۲۲). در واقع چنانچه زیان مستند به هر دو سبب باشد، هر دو ضامن خواهند بود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۰۸/۲). از این نظرات استنباط می شود با این که در اسباب طولی، یک سبب

میان تلف و سایر اسباب فاصله ایجاد می‌کند اما برخی فقها ضرر را به سایر اسباب هم قابل استناد دانسته‌اند و قائل به مسئولیت آن‌ها شده‌اند؛ بنابراین در اجتماع سبب و مباشر نیز با این که عمل مباشر میان فعل سبب و زیان فاصله ایجاد می‌کند اما باعث نمی‌شود، زیان به فعل سبب قابل استناد نباشد.

علاوه بر این، بر اساس قاعده فقهی تسبیب نیز می‌توان گفت اگر سببی که در فعل زیان‌بار دخالت داشته تلف به آن قابل استناد باشد، ضامن بوده و مسئول جبران خسارت خواهد بود. به موجب این قاعده، هرگاه فعلی که شخص عاقل مختار انجام دهد و آن فعل به طور معمول سبب وقوع تلف از مال یا جان مسلمانی باشد و میان آن فعل و تلف، فعل شخص عاقلی از روی عمد و اختیار به نحوی که در عرف و نزد عقلا تلف به او مستند شود، فاصله نشود؛ چنین سببی ضامن است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۸/۲). حتی به نظر برخی فقها تسبیب از مصادیق قاعده اتلاف می‌باشد و آن را نوعی نام‌گذاری می‌دانند (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۹: ۵۳۵/۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۶۸/۲).

بر اساس این نظرات می‌توان گفت در بحث اجتماع سبب و مباشر، هنگامی مباشر ضامن است که فعل او میان فعل سبب و زیان چنان فاصله‌ای ایجاد نماید که دیگر زیان به سبب قابل استناد نباشد و تلف صرفاً ناشی از فعل مباشر باشد اما اگر دخالت فعل مباشر این گونه نباشد و نتوان تأثیر سبب را در زیان نادیده گرفت، در این حالت، زیان به سبب نیز قابل استناد است و به موجب قاعده لا ضرر^۱ هیچ‌زیانی نباید بدون جبران باقی بماند؛ به این ترتیب سبب ضامن بوده و باید زیان ناشی از عمل زیان‌بار خود را جبران نماید.

^۱. مستند این قاعده، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) است که فرمودند: ((لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام)). در مورد مفاد این قاعده، فقها نظرات گوناگونی ابراز نموده‌اند: یک نظر آن است که مفاد قاعده بر نهی ایجاد ضرر برای خود یا دیگری دلالت دارد؛ برطبق نظری دیگر، قاعده نفی حکم ضرری به واسطه نفی موضوع ضرری است؛ مطابق دیدگاه برخی قاعده لا ضرر بر نفی حکم ضرری اطلاق دارد و به نظر برخی مفهوم این قاعده نفی ضرر بدون جبران است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۱۶/۱-۲۱۸). از مجموع این نظرات می‌توان گفت این قاعده به معنای نفی مشروعیت از هرگونه وارد کردن ضرر به خود یا دیگری در اسلام است و در صورت وقوع ضرر، باید جبران گردد.

۲.۳. دیدگاه حقوقدانان

در بحث اجتماع سبب و مباشر به لحاظ قانونی، در ماده ۳۳۲ ق.م.ا. از نظر مشهور فقها پیروی شده است و مسئولیت بر عهده مباشر قرار گرفته است مگر این که سبب قوی تر از مباشر باشد که در این صورت وی ضامن است. در ماده ۲۴ قانون دیات مصوب ۱۳۶۱ و ماده ۳۶۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ نیز این مبنای موردپذیرش قرار گرفته است. مبنای حکم مقررات مذکور این است که رابطه‌ی علیت میان فعل مباشر و تلف قوی تر است و فعل وی نقش مؤثرتری در وقوع زیان دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۲۱۴).

از این مقررات استنباط می‌شود، در صورت ورود زیان، اصل بر مسئولیت مباشر بوده و وی در مقابل زیان دیده مسئول جبران خسارت می‌باشد. هم‌چنین از میان مباشر و سبب فقط یکی از آن‌ها مسئول است یعنی اصولاً مباشر به‌تنهایی مسئول می‌باشد و یا سبب به‌موجب عواملی که باعث می‌شود که قوی تر از مباشر در نظر گرفته شود که در این فرض هم به‌تنهایی ضامن می‌باشد و فرضی را در بر نمی‌گیرد که هر دو باهم مسئول باشند.

هم‌چنین به‌موجب ماده ۲۹ قانون دیات مصوب ۱۳۶۱ در صورتی که تأثیر فعل سبب و مباشر باهم برابر یا مباشر اقوی باشد، تنها وی مسئول است. به‌موجب این مقررره نیز مباشر و سبب باهم مسئول قرار نمی‌گیرند و تنها مباشر ضامن است اگرچه تأثیر فعل هر دو برابر باشد.

در قانون مسئولیت مدنی، قانون‌گذار معیار دیگر را اتخاذ نموده است؛ به‌موجب ماده ۱۲ قانون مذکور، با این که خسارات در اثر فعل کارگران یا کارکنان اداری کارفرما به وجود می‌آیند اما در مقابل زیان دیده خود کارفرما مسئول جبران خسارت است مگر این که اثبات نماید تمام احتیاط‌های لازم را به عمل آورده و یا اگر به عمل می‌آورد هم زیان واقع می‌شد و کارفرما نیز پس از جبران خسارت می‌تواند به عاملی رجوع کند که طبق قانون مسئول شناخته می‌شود.

از این مقررره استنباط می‌شود با این که کارفرما به‌نوعی سبب وقوع زیان تلقی می‌شود، در مقابل زیان دیده مسئول بوده و وی حق رجوع به کارفرما را دارد و متعاقباً کارفرما برای دریافت خسارت خود می‌تواند به کارکنان خود مراجعه کند که مباشر وقوع زیان هستند.

به نظر برخی، با این که کارکنان مباشر تلف هستند اما کارفرما سبب است و اراده‌ی وی نفوذ بیشتری در اداره کارگاه یا کارخانه دارد، به همین علت سبب اقوی از مباشر محسوب شده و مسئولیت بر عهده وی قرارداد می‌گیرد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۱۹۲-۱۹۳). به نظر نمی‌رسد مسئولیت کارفرما به دلیل اقوی بودن سبب از مباشر باشد زیرا در این صورت نباید حق رجوع به کارکنان خود را داشته باشد بلکه در این حالت مسئولیت کارفرما ناشی از فعل غیراست و برای حمایت از زیان‌دیده مسئولیت بر عهده وی قرار گرفته است تا زیان‌دیده برای جبران خسارت خود با عدم تمکن مالی مباشر زیان مواجه نگردد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۳۷).

بر اساس ماده ۱۴ این قانون چنانچه چند عامل مجتمماً موجب وقوع زیانی شوند، در برابر زیان‌دیده به‌طور تضامنی مسئول جبران خسارات هستند اما در میان زیان‌زندگان، دادگاه میزان مسئولیت هر یک را تعیین می‌کند. نکته قابل توجه ماده ۱۴ ق.م.م. است که قائل به مسئولیت تضامنی عاملان زیان شده است تا زیان‌دیده جهت جبران خسارت خود با اعسار یکی از عوامل مواجه نگردد و در نتیجه زیان وی جبران نشده باقی نماند.

در ماده ۵۲۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار تغییر رویه داده است و عاملی را مسئول می‌داند که زیان مستند به آن باشد. بنابراین در این ماده دیگر اصل بر مسئولیت مباشر یا سبب نیست بلکه هر عاملی مسئول است که زیان به آن رفتار منتسب باشد و فرضی را هم در برمی‌گیرد که در مقابل زیان‌دیده هر دو عامل مسئول باشند، در این حالت اصل بر این است که هر یک به‌طور مساوی ضامن باشند مگر این که میزان تأثیر فعل هر یک از آن‌ها متفاوت باشد که در این صورت به میزان تأثیر عمل خود مسئول هستند. البته بر اساس ذیل ماده مذکور، اگر مباشر بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز، مجنون و... باشد، تنها سبب مسئول است؛ بنابراین در این ماده برخلاف مقررات سابق تنها به ذکر اجمالی ((مگر سبب اقوی از مباشر باشد)) اکتفا نشده است بلکه مواردی که باعث می‌شوند سبب قوی‌تر از مباشر در نظر گرفته شود، با ذکر نمونه‌هایی بیان شده، بی‌آنکه درصدد حصر آن‌ها باشد. در مورد این که ماده ۵۲۶ ق.م.ا. در مورد اجتماع سبب و مباشر بر فرضی دلالت دارد که این دو به‌طور طولی در فعل زیان‌بار دخالت دارند یا به نحو عرضی؛ به نظر برخی این

ماده ناظر بر موردی است که سبب و مباشر به صورت عرضی فعل را انجام می دهند زیرا تنها در این حالت است که فعل می تواند به هر دو عامل مستند باشد (آقایی نیا، ۱۳۹۴: ۷۵). به نظر می رسد صحیح نیست حکم ماده را مقید به حالت عرضی یا طولی اجتماع سبب و مباشر کرد و دو حکم متفاوت را بر آن مترتب ساخت بلکه از اطلاق ماده استنباط می شود، بر هر دو حالت دلالت دارد و اجتماع سبب و مباشر اعم از آن که طولی یا عرضی باشد، تابع حکم ماده ۵۲۶ ق.م.ا. است چنانکه در اغلب موارد دخالت فعل زیان بار توسط سبب و مباشر به نحو طولی می باشد.

به موجب تبصره دوم ماده ۲ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ با این که خسارت زیان دیده از محل بیمه نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می شود اما مسئولیت دارنده در بیمه نمودن وسیله نقلیه باعث رفع مسئولیت از شخصی نمی شود که حادثه به فعل یا ترک فعل وی منسوب می شود.

بر اساس تبصره سوم ماده ۱۵ این قانون، اگر حادثه در هنگام آموزش رانندگی یا آزمون اخذ گواهینامه واقع شود، خسارتی که توسط شرکت بیمه به زیان دیده پرداخت می شود، از شخص آموزش گیرنده یا آزمون دهنده دریافت نمی شود بلکه حسب مورد شخص آموزش دهنده یا آزمون گیرنده، راننده محسوب می شود و باید این خسارت را به شرکت بیمه پرداخت نماید. در این موارد با این که مباشر شخص دیگری است اما قانون گذار آموزش دهنده یا آزمون گیرنده را مسئول قرار داده و این مسئولیت به جهت سببیت یا ناشی از عمل غیر نیست بلکه چون شخص آموزش گیرنده یا آزمون دهنده از مهارت کافی در استفاده از وسیله نقلیه برخوردار نیست و باید از جانب آموزش دهنده یا آزمون گیرنده نظارت های لازم صورت گیرد در صورت عدم انجام این وظیفه و وقوع حادثه، قانون گذار آن ها را مسئول قرار داده است و شرکت بیمه شخص زیان زننده می تواند برای دریافت خسارت پرداختی به زیان دیده، به آن ها رجوع نماید.

در نهایت مطابق ماده ۱۶ قانون مذکور، اگر در مراجع قضایی ثابت شود عواملی مانند نقص راه، عدم وجود یا نقص علائم رانندگی، وجود عیب ذاتی در وسیله نقلیه و یا به وجود

آوردن مانع توسط دستگاه‌های اجرایی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی در وقوع حادثه تأثیرگذار بوده است، شرکت بیمه و صندوق پس از جبران خسارت زیان‌دیده می‌توانند به نسبت درجه تقصیر هر یک از مسببان، به آن‌ها مراجعه نمایند و درجه تقصیر هر یک از عوامل در حکم دادگاه تعیین می‌گردد.

با توجه به تحول سیر قانون‌گذاری و اهداف توزیع مسئولیت مدنی، تردیدی باقی نمی‌ماند سببی که در عمل زیان‌بار دخالت داشته و تأثیر آن‌هم ضعیف نبوده است، باید به همراه مباشر مسئول باشد زیرا هدف از توزیع مسئولیت مدنی این است که ضرر ناشی از عمل زیان‌بار بر عهده مسئولین آن قرار گیرد و اشخاصی که باعث ورود ضرر شده‌اند، ملزم به جبران خسارت باشند و جبران خسارت نیز به‌طور عادلانه بر طبق قواعد و مقررات توزیع گردد تا همان‌گونه که از حق زیان‌دیده حمایت به عمل می‌آید، از مسئولیت انگاری بی‌رویه علیه یکی از عوامل فعل زیان‌بار جلوگیری به عمل آید (باریکلو، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۳).

در مورد چگونگی انتساب زیان به سبب، به نظر حقوقدانان از جمع مواد ۳۳۲ ق.م. و ۵۲۶ ق.م.ا. استنباط می‌شود عاملی که عرفاً و عادتاً زیان قابل انتساب به وی باشد، مسئول بوده و رابطه سببیت میان خسارت و آن عامل به وجود خواهد آمد. بنابراین نظر، با این‌که بر اساس ماده ۳۳۲ ق.م. اصل بر مسئولیت مباشر است اما ضابطه تشخیص این موضوع عرفی است و باید در هر مورد به عرف رجوع کرد که عرف خسارت را به فعل کدامیک از مباشر و سبب مستند می‌داند و در صورتی تأثیر آن‌ها مساوی باشد، مسئولیت آن‌ها نیز مساوی خواهد بود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۲۱۰-۲۱۱).^۱ بالأخص در موردی که هر دو عامل قصد اتلاف داشته باشند و اجرای آن را میان خود تقسیم کرده باشند، هر دو مسئول می‌باشند زیرا مجموع سبب و مباشر خسارت را به وجود آورده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۲۱۵).

^۱. نظریه سبب متعارف، مناسب یا اصلی؛ براساس این نظریه ضرر به عاملی نسبت داده می‌شود که به طور معمول و طبق جریان عادی امور موجب وقوع آن می‌شود. سایر پدیده‌هایی که به طور اتفاقی و به دلیل اوضاع و احوالی غیر معمول ممکن هستند موجب زیان شوند، سبب محسوب نمی‌شوند و زیان به آن‌ها نسبت داده نمی‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۲۰۶).

درواقع در این رابطه می‌توان سه فرض را در نظر گرفت؛ اول این که سبب اقوی از مباشر باشد که در این حالت سبب ضامن است، دوم مباشر قوی‌تر از سبب باشد که در این حالت فعل زیان‌بار به وی منتسب بوده و او مسئول است و فرض سوم هم حالتی است که تأثیر این دو مساوی باشد، در این صورت هر دو به‌طور مساوی مسئول هستند (امامی، ۱۳۶۳: ۳۹۶/۱).

هم‌چنین برخی حقوقدانان استدلال کرده‌اند حکم ماده ۳۳۲ ق.م. مبتنی بر غلبه است و اقوی بودن مباشر از سبب نوعی اماره محسوب می‌شود و در امارات اصل بر نسبی بودن است (بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۱۸۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۳) به همین دلیل، چنانچه خسارت به سبب و مباشر هر دو منتسب باشد، در صورت تساوی هر دو مسئول جبران خسارت هستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۲۵۹).

باوجود نظر حقوقدانان و قسمت انتهایی ماده ۳۳۲ ق.م. که معیار انتساب را عرفی می‌داند؛ به نظر می‌رسد با این که پذیرش معیار عرفی غیرقابل انکار است اما از اطلاق مواد ۱ ق.م.م. و ۵۲۶ ق.م.ا.^۱ می‌توان استنباط کرد زیان به هر طریقی که به سبب قابل استناد باشد، وی ضامن است و باید خسارت زیان‌دیده را جبران نماید زیرا در برخی مواقع ممکن است به لحاظ عرفی نتوان تأثیر عمل سبب را احراز نمود اما به نحو دیگری قابل احراز باشد که در این صورت فعل زیان‌بار قابل استناد به فعل سبب خواهد بود. درواقع می‌توان گفت عرف یکی از طرقی است که می‌توان استناد عمل را به سبب را احراز نمود ولی تنها راه کار

^۱. ماده ۱ ق.م.م. مقرر می‌دارد: «(هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگر که به حکم قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد)» و ماده ۵۲۶ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «(هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنان چه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب، ضامن است.)).

نیست و نباید آن را به معیار عرفی محدود دانست؛ ماده ۵۲۹ ق.م.ا. نیز مؤید این برداشت است که مقرر می‌دارد: ((در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید))، بی‌آنکه طریق احراز تقصیر را به معیار عرفی محدود نماید. بنابراین تلف به هر طریقی که به عمل سبب مستند باشد، وی مسئول است مگر این که تأثیر آن به قدری کم باشد که نتوان زیان را به آن مستند کرد (ماده ۵۳۱ ق.م.ا.^۱) که در این صورت چنانچه مستند به عمل مباشر باشد، وی مسئول است.

۴. نحوه رجوع زیان‌دیده برای جبران خسارت

در مورد نحوه توزیع مسئولیت و حق رجوع زیان‌دیده به عامل زیان، بدیهی است بر اساس ماده ۳۳۲ ق.م. که زیان‌دیده تنها حق رجوع به هر یک از مباشر یا سبب را دارد، بحث توزیع مسئولیت میان عوامل زیان مطرح نمی‌شود. در قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه نیز با توجه به تعهدات و تکالیف شرکت بیمه و صندوق در مقابل زیان‌دیده، ابتدا شرکت بیمه یا صندوق خسارات زیان‌دیده را تأدیه می‌کنند سپس خود به نسبت تقصیر سایر عوامل به آن‌ها رجوع می‌کنند.

بر اساس ماده ۱۴ ق.م.م. هرگاه چند عامل زیانی را به وجود آورند، در برابر زیان‌دیده به نحو تضامنی مسئول جبران خسارت می‌باشند و در میان خود به نسبت میزان مداخله در عمل زیان‌بار مسئول خواهند بود اما طبق ماده ۵۲۶ ق.م.ا. هر یک از مباشر و سبب در مقابل زیان‌دیده به نسبت تقصیر خود مسئول هستند.

مسئولیت مدنی اهداف گوناگونی دارد اما تردیدی وجود ندارد که در رابطه با زیان‌دیده، مهم‌ترین هدف در مسئولیت مدنی، جبران کامل و قطعی خسارات زیان‌دیده است (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۲۵). از این جهت، ماده ۱۴ ق.م.م. به دلیل در نظر گرفتن

^۱. ماده ۵۳۱ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: ((در موارد برخورد هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل این که حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به او است، ضمان ثابت است)).

مسئولیت تضامنی برای عاملان زیان، نفع زیان‌دیده را بهتر تأمین می‌کند و هدف مسئولیت مدنی در حمایت از زیان‌دیده به نحو مناسب‌تری تحقق می‌یابد اما از طرفی دیگر ممکن است با این اشکال مواجه شود اصل بر عدم تضامن و خلاف اصل است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۳۴؛ امیر محمدی، ۱۳۹۴: ۵۹) و هم‌چنین در این صورت، هر یک از عوامل به بیشتر از میزان تأثیر خود در زیان ملزم به جبران خسارت می‌شوند اما در پاسخ گفته می‌شود در مورد این که اصل بر عدم تضامن است در مسئولیت قراردادی چنین اصلی جاری می‌شود زیرا طرفین باید چنین شرطی را در قرارداد خود درج نمایند اما در مسئولیت مدنی خلاف اصل و قواعد عمومی محسوب نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۱۰).

هم‌چنین مسئولیت تضامنی عاملان در برابر زیان‌دیده است و در میان خود اصولاً به میزان تأثیر هر یک در زیان است که با کارشناسی یا از طرق دیگری می‌توان میزان تأثیر هر عاملی را تعیین نمود و چنانچه امری امکان‌پذیر نباشد، به دلیل مداخله و تأثیر هر یک از این عوامل، مسئولیت به‌طور تساوی بر عهده هرکدام از سبب و مباشر قرار می‌گیرد (ماده ۵۲۶ ق.م.ا)؛ بنابراین درنهایت مسئولیت هر یک به میزان تأثیر رفتار هر یک از عوامل است و شخص به میزان بیشتری از تأثیر عمل خود محکوم نمی‌شود اما در نظر گرفتن مسئولیت تضامنی برای عاملان زیان این مزیت را دارد تا در صورت مراجعه زیان‌دیده برای جبران خسارت، با اعسار یکی از عاملان مواجه نگردد و قسمتی از زیان وی جبران نشده باقی نمی‌ماند. مفاد قاعده لا ضرر نیز مؤید این دیدگاه است که مسئولیت عاملان متعدد در مقابل زیان‌دیده تضامنی باشد تا خسارت وی بدون جبران باقی نماند.

نتیجه‌گیری

مطابق نظر مشهور فقهای امامیه، در صورت اجتماع سبب و مباشر در وقوع زیانی، مسئولیت بر عهده مباشر می‌باشد مگر این‌که سبب به جهت عواملی از قبیل صغیر غیر ممیز، مجنون، مکره و یا مغرور بودن مباشر، اقوی از آن باشد. دلیل این حکم، اجماع فقها است اما برخی فقها نسبت به این حکم تردید کرده‌اند و سبب و مباشر را باهم ضامن می‌دانند و به نظر برخی دیگر، معیار استناد عرفی است و هر عاملی که در نظر عرف زیان مستند به آن باشد، مسئول خواهد بود.

ظاهر ماده ۳۳۲ ق.م. نشان می‌دهد از دیدگاه مشهور تبعیت کرده است اما از قسمت اخیر این ماده استنباط می‌شود، استناد عرفی زیان به عمل سبب یا مباشر مدنظر قرار داده است. ماده ۱ ق.م.م. تردیدی باقی نمی‌گذارد هر عاملی که باعث زیان دیگری شده باشد، باید از عهده جبران خسارت برآید؛ بنابراین سببی که با مباشر در عمل زیان‌بار دخالت داشته است، مسئول عمل خود باشد. در مورد طریقه احراز انتساب عمل زیان‌بار به عامل آن، به عقیده برخی معیار انتساب عرفی است و اگر عرف سبب را به همراه مباشر، عامل زیان تشخیص دهد، هر دو مسئول خواهند بود اما به نظر بعضی، تقدم مباشر بر سبب اماره است و در صورتی که خلاف این اماره ثابت شود، سبب نیز مسئولیت خواهد داشت. به نظر می‌رسد با این‌که نظر عرف در استناد عمل زیان‌بار به عامل آن قابل انکار نیست و عرف یکی از مهم‌ترین شیوه‌های احراز انتساب است اما طریقه استناد را نمی‌توان به معیار عرفی محدود نمود بلکه با هر روش قانونی دیگر که ممکن باشد مانند کارشناسی می‌توان آن را احراز کرد. چنان‌که مطابق مواد ۱۴ ق.م.م. و ۵۲۶ ق.م.ا. که هر یک از عوامل را به میزان تأثیر رفتار خود، در مقابل زیان دیده مسئول می‌دانند، پس از احراز اصل زیان به عامل آن، به نظر می‌رسد باید از طریق کارشناسی، میزان تأثیر هر یک از عوامل تعیین کرد. با این‌که در مواد فوق‌الذکر مسئولیت نهایی هر یک از عوامل به میزان تأثیر آن‌ها است اما شیوه پذیرفته‌شده در ماده ۱۴ ق.م.م. به نحو مناسب‌تری خسارت زیان‌دیده را جبران می‌کند زیرا مسئولیت عاملان زیان در مقابل زیان‌دیده به نحو تضامنی است و وی می‌تواند برای دریافت خسارت خود به هرکدام از آن‌ها مراجعه کند. با استفاده از ملاک ماده مذکور

می‌توان گفت در صورت اجتماع سبب و مباشر، چنانچه زیان به هر دو آن‌ها منتسب باشد، مسئولیت سبب و مباشر در مقابل زیان دیده به نحو تضامنی باشد اما در توزیع داخلی مسئولیت، هر یک به میزان تأثیر عمل خود مسئول باشد، مفاد قاعده لا ضرر نیز مؤید این نظر است که بر نفی هرگونه ضرر جبران نشده‌ای دلالت دارد.

فهرست منابع

- ۱- ابن براج، عبدالعزيز(۱۴۰۶)، المهذب، جلد دوم، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ۲- ابن سعید حلی، نجیب الدین یحیی(۱۴۰۵)، الجامع للشرایع، جلد چهارم، چاپ اول، قم: موسسه سیدالشهداء.
- ۳- آقایی نیا، حسین(۱۳۹۴)، جرایم علیه اشخاص(جنایات)، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- ۴- امامی، حسن(۱۳۶۳)، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- ۵- امیر محمدی، محمد رضا(۱۳۹۴)، مسئولیت تضامنی، تهران: نشر میزان.
- ۶- بادینی، حسن(۱۳۸۴)، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۷- باریکلو، علی رضا(۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- ۸- بروجرودی عبده، محمد(۱۳۸۰)، حقوق مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- ۹- بهبهانی، محمد حسین(۱۴۱۷)، حاشیه مجمع الفائده و البرهان، چاپ اول، تهران: انتشارات موسسه علامه وحید بهبهانی.
- ۱۰- بهرامی احمدی، حمید(۱۳۹۱)، ضمان قهری؛ مسئولیت مدنی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۱- جبعی عاملی، زین الدین(۱۴۱۷)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، جلد پانزدهم، چاپ اول، قم: موسسه معارف اسلامی.
- ۱۲- جبعی عاملی، زین الدین(۱۴۱۰)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، جلد هفتم، چاپ اول، قم: مکتبه الداوری.
- ۱۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، چاپ سوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۱۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۸۲)، فرهنگ عناصر شناسی، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۱۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۹۱)، محشی قانون مدنی، چاپ چهارم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۱۶- حسینی دشتی، مصطفی(۱۳۸۰)، معارف و معاریف: دائره المعارف جامع اسلامی، جلد ششم، چاپ سوم، تهران: نشر آرایه.
- ۱۷- حسینی عاملی، محمد جواد(۱۴۲۴)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، جلد چهاردهم، چاپ اول، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ۱۸- حسینی مراغی، سیدمیرفتاح(۱۴۱۸)، العناوین الفقهیة، جلد دوم، چاپ اول، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ۱۹- حلی، محمد(۱۳۸۷)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، جلد چهارم، چاپ اول، قم: مطبعه العلمیه.
- ۲۰- رشتی، حبیب اله(۱۳۸۸)، الغصب، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارتباطات.
- ۲۱- صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب اله(۱۳۹۷)، مسئولیت مدنی(الزامات خارج از قرارداد)، چاپ یازدهم، تهران: سمت.
- ۲۲- طباطبایی، سید علی(۱۴۲۲)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، جلد چهاردهم، چاپ اول، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ۲۳- عاملی، شمس الدین محمد(۱۴۱۱)، اللمعه الدمشقیه، چاپ اول، قم: منشورات دارالفکر.
- ۲۴- علامه حلی، حسن بن یوسف(۱۴۲۰)، تذکره الفقها، جلد دهم، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت (ع).

- ۲۵- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۸)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، جلد دوم، چاپ اول، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ۲۶- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۲)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامیه القدیّمه، جلد پنجم، چاپ اول، قم: موسسه امام صادق (ع).
- ۲۷- فاضل اصفهانی (۱۴۲۴)، کشف اللثام، جلد یازدهم، چاپ اول، قم: موسسه نشر اسلامی.
- ۲۸- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹)، الزام های خارج از قرارداد؛ مسئولیت مدنی، جلد اول، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۲۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، حقوق مدنی؛ نظریه عمومی تعهدات، تهران: نشر دادگستر.
- ۳۰- کاشف الغطا، حسن (۱۴۲۲)، انوار الفقاهه، نجف: موسسه کاشف الغطا.
- ۳۱- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات استقلال.
- ۳۲- معین، محمد (۱۳۸۰)، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران: نشر سرایش.
- ۳۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱)، قواعد الفقهیّه، جلد دوم، چاپ دوم، قم: مدرسه امیرالمومنین (ع).
- ۳۴- موسوی بجنوردی، حسن (۱۴۱۹)، القواعد الفقهیّه، جلد اول، چاپ اول، قم: نشر الهادی.
- ۳۵- موسوی بجنوردی، حسن (۱۴۱۹)، القواعد الفقهیّه، جلد دوم، چاپ اول، قم: نشر الهادی.
- ۳۶- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۰)، تحریر الوسیله، جلد دوم، چاپ دوم، قم: دارالکتب العلمیه.
- ۳۷- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳)، مبانی تکمه المنهاج، جلد چهل و یک، چاپ دوم، قم: نشر الهادی.
- ۳۸- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۷)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد سی و هفتم، چاپ سوم، تهران: دارالکتب اسلامیّه.
- ۳۹- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۸)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد چهل و سوم، چاپ نهم، تهران: دارالکتب اسلامیّه.

References

- 1- Ibn al-Barraj, A. (1985). Al-Muhadhdhab (Vol. 2). Islamic Publications Institute. (in Arabic)
- 2- Ibn Sa'id al-Hilli, N. al-D. Y. (1984). Al-Jami' li al-Shara'i' (Vol. 4, 1st ed.). Sayyid al-Shuhada Institute. (in Arabic)
- 3- Aghaeinia, H. (2015). Crimes against persons (offences against life and bodily integrity) (4th ed.). Mizan Publishing. (in Persian)
- 4- Emami, H. (1984). Civil law (Vol. 1, 4th ed.). Eslamieh Bookstore. (in Persian)
- 5- Amir Mohammadi, M. R. (2015). Joint and several liability. Mizan Publishing. (in Persian)
- 6- Badini, H. (2005). The philosophy of civil liability. Enteshar Joint-Stock Company. (in Persian)
- 7- Barikloo, A. R. (2008). Civil liability (2nd ed.). Mizan Publishing. (in Persian)
- 8- Boroujerdi Abdeh, M. (2001). Civil law (1st ed.). Majd Publications. (in Persian)
- 9- Behbahani, M. H. (1996). Hashiyah Majma' al-Fa'idah wa al-Burhan (1st ed.). Allameh Vahid Behbahani Institute Publications. (in Arabic)
- 10- Bahrami Ahmadi, H. (2012). Non-contractual liability : Civil liability. Imam Sadiq University. (in Persian)
- 11- Juba'i al-Amili, Z. al-D. (1996). Masalik al-Afham fi Sharh Shara'i al-Islam (Vol. 15, 1st ed.). Islamic Knowledge Institute. (in Arabic)
- 12- Juba'i al-Amili, Z. al-D. (1989). Al-Rawdah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah (Vol. 7, 1st ed.). Davari Library. (in Arabic)
- 13- Jafari Langroudi, M. J. (1999). Law of obligations (3rd ed.). Ganj-e Danesh Bookstore. (in Persian)
- 14- Jafari Langroudi, M. J. (2003). Dictionary of analytical elements (1st ed.). Ganj-e Danesh Bookstore. (in Persian)
- 15- Jafari Langroudi, M. J. (2012). Annotated Civil Code (4th ed.). Ganj-e Danesh Bookstore. (in Persian)
- 16- Hosseini Dashti, M. (2001). Ma'aref va Ma'arif: Comprehensive Islamic encyclopaedia (Vol. 6, 3rd ed.). Arayeh Publishing. (in Persian)
- 17- Hosseini Amili, M. J. (2003). Miftah al-Karamah fi Sharh Qawa'id al-Allamah (Vol. 14, 1st ed.). Islamic Publications Institute. (in Arabic)
- 18- Hosseini Maraghi, S. M. F. (1997). Al-Anawin al-Fiqhiyyah (Vol. 2, 1st ed.). Islamic Publications Institute. (in Arabic)
- 19- Hilli, M. (2008). Idah al-Fawa'id fi Sharh Mushkilat al-Qawa'id (Vol. 4, 1st ed.). Elmieh Press. (in Arabic)
- 20- Rashti, H. (2009). Al-Ghasb (1st ed.). Ministry of Culture and Communications. (in Arabic)

- 21- Safaei, S. H., & Rahimi, H. (2018). Civil liability (non-contractual obligations) (11th ed.). SAMT. (in Persian)
- 22- Tabatabaei, S. A. (2001). Riyad al-Masa'il fi Bayan al-Ahkam bi al-Dala'il (Vol. 14, 1st ed.). Islamic Publications Institute. (in Arabic)
- 23- Amili, S. al-D. M. (1990). Al-Lum'ah al-Dimashqiyyah (1st ed.). Dar al-Fikr Publications. (in Arabic)
- 24- Allameh Hilli, H. ibn Y. (1999). Tadhkirat al-Fuqaha (Vol. 10, 1st ed.). Al al-Bayt Institute. (in Arabic)
- 25- Allameh Hilli, H. ibn Y. (1997). Qawa'id al-Ahkam fi Ma'rifat al-Halal wa al-Haram (Vol. 2, 1st ed.). Islamic Publications Institute. (in Arabic)
- 26- Allameh Hilli, H. ibn Y. (2001). Tahrir al-Ahkam al-Shar'iyyah ala Madhhab al-Imamiyyah (Vol. 5, 1st ed.). Imam Sadiq Institute. (in Arabic)
- 27- Fazel Esfahani. (2003). Kashf al-Litham (Vol. 11, 1st ed.). Islamic Publishing Institute. (in Arabic)
- 28- Katouzian, N. (2020). Non-contractual obligations: Civil liability (Vol. 1, 16th ed.). Ganj-e Danesh Publications. (in Persian)
- 29- Katouzian, N. (2000). Civil law: General theory of obligations. Dadgostar Publishing. (in Persian)
- 30- Kashif al-Ghita, H. (2001). Anwar al-Fiqhahah. Kashif al-Ghita Institute. (in Arabic)
- 31- Mohaqqeq Hilli, J. ibn H. (1988). Shara'i al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram (Vol. 2, 2nd ed.). Esteqlal Publications. (in Arabic)
- 32- Moein, M. (2001). Persian dictionary (2nd ed.). Sarayesh Publishing. (in Persian)
- 33- Makarem Shirazi, N. (1990). Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah (Vol. 2, 2nd ed.). Amir al-Mu'minin School. (in Arabic)
- 34- Mousavi Bojnourdi, H. (1998). Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah (Vol. 1, 1st ed.). Al-Hadi Publishing. (in Arabic)
- 35- Mousavi Bojnourdi, H. (1998). Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah (Vol. 2, 1st ed.). Al-Hadi Publishing. (in Arabic)
- 36- Mousavi Khomeini, S. R. (2011). Tahrir al-Wasilah (Vol. 2, 2nd ed.). Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. (in Arabic)
- 37- Mousavi Khoe'i, S. A. (1992). Mabani Takmilat al-Minhaj (Vol. 41, 2nd ed.). Al-Hadi Publishing. (in Arabic)
- 38- Najafi, M. H. (1988). Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam (Vol. 37, 3rd ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (in Arabic)
- 39- Najafi, M. H. (1989). Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam (Vol. 43, 9th ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (in Arabic)